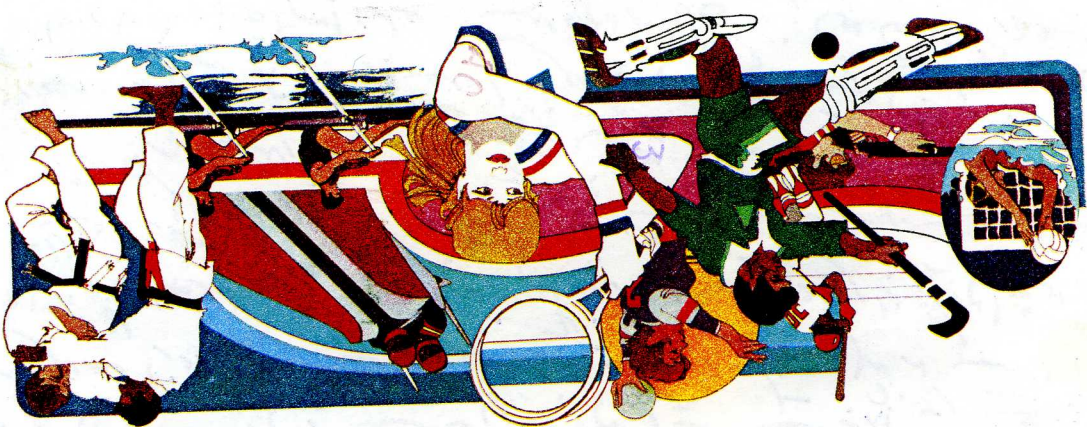


در آنه بسوی زمانه زنی در زینم که به رخ گویدم ز نامم عزیزت را چندین بار خوانم و خوشحال  
 شوم تو جوانا راحت میروی وقتی احساس درونی خودت را بجمع در میآوری  
 تو سیدانی که به چه بگوئی مثل اینکه جان من از زینم با سگویی تغییر طرز کند و  
 احساسات من مثل تو است که خدا سیرانه همین بهت است که محض اینکه جان تو  
 دهانت را به زینت میگذرد خنده آدر زنی من از چند مره ام . در آنه جویم منم  
 از درد زنده از پیش که آمده ام برگ از آن خنده که لایم . و اما از زنی منم سچایی هست  
 جنس آنه منم گرم است و خوشحالم ، اما این منم و خودت به منم عیبی مستقل  
 با وجود آنکه منم و منم حوال خوابه کشیده منم ، بز به زندگ ؛ درم دادگانه . و منی از  
 هست به آن حالت خاتم است که ما را حسی ، راحت کرده است خدا عاقبت  
 ما را بکشد . عیدالم <sup>طهر</sup> بر آنست شرح منم ، قسمی حالت جنون است قسمی حسیهای  
 است آن است که مثل سنگ دارد ، بنامشود ، خلاصه این روزها قدر است  
 ف ر بولام که بار اولی شده در بندگی زینم دتر و دداری ایها بگفته ام .  
 دیگر ما در زینم در خانه نگاهت دارم و منم دارم دنبال آن نگاه یا خانه  
 بهرام بر آنست منم دارم ، اگر بهانی حقد و رفت ، در است که مردم و مردم  
 که در این خانه ایستند منم تغییر از راحت دیرت منم که خدا دارد و منی  
 چه میشود که آنها حق بوی زندگی ما مردم است . چرا ، این احوال ما تمام منابع تو ما را  
 فرج از بین مردم بگویم بگویم و حقد در این دنیا جنایت است و مردم بلکه بر طم سنگین  
 منم از کتب ما نید را گانه حسی حسی تا زینم دگر به گدم ، زینم زدی بود .  
 بعد از آنکه چندین زن به از او صانع بندگستان دیم که ؛ در بدنی است ، یکی از  
 آنها را جمع باز دو آج و تمام زینم بود ، جازسی که زو به به به دو ادعایانی که داناد  
 دارد بجه که اگر از نظر مالی ما میل کردی او را راضی نگه نداشتند ممکن است دو به نیت را  
 آتش زینم . ~~بجه~~ وضع چنین را ؛ بندگستان که ؛ اصطلاح سگ زینه دگر است است  
 که به که دینی حقد چینی که از نظر زمانه عامه و خانان از بندگستان حقد ترانه .  
 در آنه جنم امید دارم به بیع بر چه زود در نیاید و تکلیف هم معلوم شود دلی به  
 نسوی رضیم بگیر ، زینم را حسی خواصی داشت ، اگر منم به بیع انگلستان بانه زینم  
 به ستر بود ، دلی در آنه تو ؛ به ؛ به بیع ؛ بیس ؛ با صانع خواصی داشت ، همه داد  
 جان است و در زینم زینم خواصه گرفت دارم که خواصه منم ، دلی در آنه  
 به حینه که منم و تر شبه احمقانه ندایم دلی تو کلفت غلی الله ، به چه پیش آید

Additional message area

دیار ورد) عزیزم به پیش تو خرابیم آه... آنگاه رسیدم که به پیش من بیای...  
هر کسی می‌دم و زیبا بیای طبیعت را می بینم بیا و تو هستم و آرزو میکنم اینجا بودم  
تعبیر بخواه خوب رفت که صد نه دارد. رانتر بود این سخن تلفظ کرد کوس انگلیسی است  
چند روز در آنجا نه برنگردیدم نه نه، از همه ذوقی آنجا زنده می‌سکنم پس او خواننده رفت  
دش گریه می‌کرد چون کوس انگلیس وارد شد آنجا آمد نه خردگاه و کس دوست جواد بود  
را دیدیم، در روز برگشته نه نه، سو تلفظ (ایه کرد) کت و نه بگویم که چون مخصوصاً جواد این  
مردم رفتن وقت موافق بستی آخر را در سکون به راه داد خیلی دقت کن که حکم است کرم  
زیادی داشته؛ گشته و نه را هم نه داد گشته. بین نه و جواد است، مهر داد را ببوسم از نول  
نم خن بود سلام را و در به تو می‌دم

Do not use tape or stickers to seal—No enclosures permitted  
① Fold first at notches



② Second fold

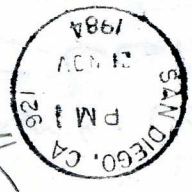
©USPS 1983

AEROGRAMME • VIA AIRMAIL • PAR AVION



Taleh  
57 Bollo Bridge Rd.  
Acton, London W3  
England

Olympics 84  
USA  
30c



17a1he Attar  
10448 Vallidemosan.  
San Diego, CA 92124